

## ترازنامه فعالیت یکساله

سازمان مارکسیستی توفان

سازمان توفان نتایج فعالیت یکساله خود را مورد بررسی و انتقاد قرار داد برای رفع نقائص و کمبودهای سازمان تصمیماتی اتخاذ نمود. اینک سندی که باین مناسبت تنظیم شده است از نظر خوانندگان میگذرد.

بررقای سازمان است که بگذار این سندی توجه جدی مبذول دارند و فعالیت سازمان خود آنرا پیوسته درمد نظر قرار داد و پیشرفت کنند.

پیشرفت های سازمان در درجه اول مدیون وفاداری ما به آموزش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون، مدیون خط مشی و مبارزه ای که ما براساس این آموزش در پیش گرفتیم سازمان ما پرچم پرافتخار مارکسیسم - لنینیسم پرچم پرافتخار انقلاب ایران را که رویزیونیست های ایرانی بدور افکند مانند از نو برافراشت و هم اکنون این پرچم یگانه مرکز تجمع وفاداران به جهان بینی و آرمانهای طبقه کارگر ایران است. بخت مشی و جهان بینی ما ضامن پیشرفت های آینده ما است.

پیشرفت های سازمان همچنین مدیون علاقتی، صمیمیت و پشتکاری است که رفقای سازمان از خود نشان دادند. صمیمیت و معاضدت رفقا عامل بزرگی در پیشرفت کار سازمان است. صمیمیت نشانه وحدت است و وحدت سرچشمه موفقیت. بیکوشتها و وحدت خود را حفظ کنیم و پیوسته استحکام بخشیم. باهرگونه عامل تشنگت و تفرقه باشیوه های سازمانی به مبارزه برخیزیم.

اینجا ما هرگز نامه های تشویق آمیز خوانندگان و هواداران توفان، کمکهای مادی و معنوی آنها و همچنین کوشش دوستانی را که با بخش نشريات و انشاعا افکار سازمان ما را در انجام وظایف خود یاری رسانیدند از یاد نمی بریم.

پیشرفت هائیکه تاکنون بدست آمده در مجال وظایفی که در مقابل ما است مانند قطره ای در برابر دریا است. فقط در سایه وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم، حفظ وحدت و یکپارگی، در آمیختن باتوجه ها و نیروی از مشی تودهای ما خواهیم توانست گامهای تازه و مبارزتری به پیش برداریم و به کامیابیهای تازه و تازه تری نائل آئیم.

در عین حال در کار سازمان ما نواقص و معایبی وجود دارد که ناشی از جوان بودن سازمان ما، عدم آشنائی کافی آن با اصول و موازین سازمانی است. سازمان ما موظف است به اصول و موازین تشکیلاتی توجه بیشتری مبذول دارد. افراد سازمان را با قواعد و قوانین کار سازمانی آشنا کند تا عدم توازن میان کار ایدئولوژیکی و سیاسی از یکسو و کار سازمانی از سوی دیگر برطرف شود.

نواقص و معایب کار اتحاددوی نیز ناشی از کار و فعالیت سازمان در شرایط غیرعادی است. ما موظفیم پهنانکاری را به حد اکثر مراعات کنیم و در فعالیت خود هوشیاری بسیاری بخرج دهیم زیرا ما از

## ارتش ایران و جنگ توده های

همه پدیده های ارتجاعی جهان - بقول لنین - تجولی باهاها کین - اند و بقول مائوتسه دون - "ببرکافدی" اند و با اصطلاح زبان فارسی پهلوان پنبه اند. ارتش محمد رضا شاه نیز در شمول این پدیده ها است.

راست است که این ارتش در روزن و کشتن بیکناهان بی سلاح بسیار وحشی و درنده است. راست است که این ارتش در سرکوب جنبش های توده های نقش مهمی بازی کرده است. اما اگر از صولت طاهری از خیره نشویم بیاطن او توجه کنیم بپوسیدگی، ناتوانی و شکست پذیری او خواهیم دید.

محمد رضا شاه زرق و برق تسلیحات و کثرت افراد ارتش خود را بر خ خلق میکند. ولی هیچیک از این خصوصیات نمیتواند در نیروی مندی ارتش نقش قاطع بازی کند. بخاطر بیابوریم که سرکرده مرم - نجمان و آدمکشان چین - چانگایچک - چهارملین نفر سرباز و افسر داشت که بانا ضررین سلاحهای مخدومان آمریکائی وی مجهز بودند در نظریه بیابوریم که امروز پانصد هزار سرباز آمریکائی و صد هাজার سرباز مزدور بکمک آخرین اختراعات اسلحه سازی امپریالیسم آمریکا بجنگ با ملت ویتنام مشغولند. ولی معدک نتوانستند و نمی - توانند از شکست فضیحت بار نجات یابند. تاریخ نزدیک میهن خود را فراموش نکنیم و بیاد بیابوریم که ارتش رضاشاه در عرض هشت سال چه قساوتها و چه شقاوتهایی بویژه در مورد دهقانان و ایلات مرتکب شد. چه گروغری در کشور ما برآید انداخته و جز جرح و آبرودار در وجه سودهای خام که در سرخیخت، ولی به اولین تعداد مسلحانه (سوم شهریور) بندازندش گسسته شد.

نخستین نقطه ضعف ارتش محمد رضاشاهی در علت وجودی است. این ارتش بمنظور سرکوب جنبش مردمی و سرکوب رتوطئه های ارتجاعی بوجود آمده است. هدفش ضد ملی و ضد موکراتیک است هیچ آرمانی که انسان شرافتمند بخاطر آن فداکاری کند در این ارتش وجود ندارد. ترهائی از قبیل "حفظ تاج کیان" و پاسداری از سلطنت شش هزار ساله" و "خدمت بآریامهر و شهبانو" قادر به چشم بندی توده سربازان و افسران نیست. اگر در نظر بگیریم که نقش عمده در هر ارتش برعهده انسانهاست و اگر قبول داریم که فقط آرمانهای والا میتواند انسانها را بگذشت و فداکاری وادار عق ناتوانی ارتش ایران برآتشکار خواهد شد. کثرت نفرات این ارتش نیز مانند ارتش ارتجاعی دیگر کاملاً نسبی است و معنیست ملیونها نفر مردم کشورمانا چیز است. ایران کنوری است پهنای و کثرت حصارهای مستحکم از جبال مرتفع و ووزیکه خلق مادر کوشه و کثار

بقیه در صفحه ۳

این کشور بیابوریم کثرت نفرات ارتش نمیتواند با عرصان برابری کند این ارتش در هر حال در محاصره خلق است. در درون این ارتش نیز تضاد های ویران سازنده کم نیست که تضاد میان سربازان و افسران، تضاد میان قشرهای مختلف افسران از آن جمله است. فساد دستگاه نیز از عوامل مهم ضعف و تلاشی باطنی آن است. بدون تردید چنین ارتشی رامیتوان واید بدست توده های مردم و پویا اتخاذ استراتژی و تاکیک صحیح از یای در آورد.

رفیق مائوتسه دون میاموزد که "ما باید از نقطه نظر استراتژییک دشمن را خوار شماریم و از نقطه نظر تاکیکیک کلکیه دشمنان را دقیقاً بحساب بگذاریم". این بان معنی است که ما باید عمق حقانیت خود و عدم حقانیت دشمن را دریابیم و این اعتقاد برسیم که دشمن خلق از آنجا که در جهت خلاف حرکت تاریخ سیر میکند سرانجامی جز شکست ندارد و خلق را از او - در مقیاس استراتژییک - باکی نیست این اعتقاد در مبارزه با دشمن بما نیرو و جرات خواهد بخشید.

ولی در عین حال باید این واقعیت را ببینیم که در لحظه کنونی رتق قوا با دشمن است و ما در حمله بر او باید نهایت حزم و احتیاط را داشته باشیم.

در مورد ارتش محمد رضا شاه نیز چنین است. این ارتش هم چنانکه توضیح دادیم - از نظرگاه تاریخی محکوم به شکست است. ولی از نظرگاه لحظه کنونی - بعلمت پراشدگی نیروهای خلق و فقدان ارتش تودهای - دارای برتری نیرو است و در سرخوردن با او باید از هرگونه ماجراجویی پرهیز کرد.

در چنین شرایطی درگیری با این ارتش در شهرها که محل تمرکز وی و کلیه دستگاههای دولتی است نمیتواند به پیروزی منجر کرد. درگیری با این ارتش را باید از دهات و اتاناکیک جنگ تودهای آغاز کرد. جنگ تودهای به نیروهای مسلح خلق امکان میدهد که پیوسته در جلی و از لحظه ای درگیر شوند که بسود آنها است نه بسود دشمن. اگر چه دشمن در مجموعه نیروهای خود بتر نیروهای مسلح خلق برتری فراوان دارد جنگ تودهای پایمان امکان میدهد که در هر نبرد در برابر واحدهای معینی از دشمن قرار گیرند و در هر نبرد نیروهای برتری را بمنظور اصحاب نیروهای دشمن شمرکز سازند و باین طریق واحدهای دشمن را جز بجز و یکی پس از دیگری از میان بر دارند. هدف جنگ تودهای در این مرحله تسخیر اراضی نیست. نیروهای مسلح خلق در هر موقع که لازم آید سرزمینی را رها کرده به سرزمین دیگر میاورند زیرا که هدف آنها نابود کردن هر چه بیشتر نیروهای دشمن است. این چنین جنگ تودهای که بدست توده های مردم و بویژه دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر علی میگرد در طی مدتی طولانی بتدریج موجب تعمیر بقیه در صفحه ۳

## ضد شوروی کیست؟

ایران به تعویب و تشبیه رژیم نکتی بارکونی ایران یاری رسانند. برای آنکه میگوید دولت شوروی حق ندارد اشرف خواهر شام را به عنوان نماینده زنان ایران به اتحاد شوروی دعوت و از وی تجلیل کند. برای آنکه میگوید سفیر شوروی در اشتباه است وقتی آرزو میکند که تحت توجهات شاهنشاه بزرگ نفع ملت و مملکت کار رود است. ناخیز تا بعد از عالیتری برسید. نماینده شوروی حق ندارد روزنامه معلوم الحال اطلاعات راز هفتا و هادی افکار عمومی توده های مردم بخواند. برای آنکه میگوید مطبوعات شوروی نباید مبارزاً در لیوانه مردم ایران راعلیه مستکران داخلی و خارجی ملهم از ارد تجاع سیاه بشمرند و آنرا تخطئه کنند چنانکه در هفته خونین حرره نرند. برای آنکه میگوید دولت شوروی نباید مانند سوداگران اسلیق بشاه ایران بفرستد که آنرا علیه خلق ایران و کشورهای شرقی خاور میانه و نزدیک بکار اندازد. برای آنکه میگوید . . . . .

اتهام ضد شوروی بما یا ناشی از غرض است و یا از عدم درک صحیح و وضوم کله و پاناشی از هر دو و اینها. البته این شق سوم صحیحتر بنظر میرسد.

ضد شوروی کیست؟  
ضد شوروی کسی است که برخلاف صالح و منافع خلق شوروی بقیه در صفحه ۳

برای رویزیونیست های ایرانی هر آنکس که از قبول رویزیونیسم امتناع ورزد و با رویزیونیسم مبارزه برخیزد از آنجائی که ناگزیریا دار و دسته رویزیونیست های شوروی در تضاد عمیق میافتد ضد شوروی است.

مجله دنیا در ازبکبایی خود از نیروهای اپوزیسیون ایران بر آستیکه "حتوی اصلی سیاسی و ایدئولوژیکی این گروه (گروه انشعایی از حزب تود مایران) خصلت ضد شوروی است". البته مجله دنیا مانند همیشه نیازی ندیده است که این فتوی و اباد لیلی، سندی و سیا لازل قرینه یا نشانه ای ب مردم عرضه کند. نویسنده گان مجله دنیا مانند همه رویزیونیست ها آنجا که پای استدلالشان لنگ میشود با حربه اتهام همیدان میایند.

بنا بر این فتوی گویا سازمان مارکسیست - لنینیست توفان "خصلت ضد شوروی" دارد چرا؟ لابد برای اینکه میگوید زمانه از حزب و دولت شوروی پس از مرگ استالین از مارکسیسم - لنینیسم دور افتاده و تاگلو در مراد اب اپوزیونیسم و رویزیونیسم فرورفته اند. برای آنکه میگوید رویزیونیست های شوروی نباید در پشت سوخلق - های جهان ما دشمنان آنان علیه آنها به توطئه پردازند چنانکه در کجا خاور میانه و ویتنام کردند. برای آنکه میگوید رویزیونیست های شوروی نباید با کمک مادی و معنوی خود بشاه و اقلیت حاکم

## پیروزی باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام

# در منطقه توفانها

## خیانت به خلق کنگو

## مبارزه مسلحانه خلق فلسطین

روحه انقلابی خلق فلسطین پس از جنگ همه جانبه که اسرائیل با تانک امبرالیسم آمریکا در پنجم ژوئن ۱۹۶۷ علیه اعراب آغاز کرد، پیوسته افزایش یافته تا آنجا که خلق فلسطین امروز جرات مبارزه و احراز پیروزی را پیدا کرده است. خلق فلسطین مسلح شده است تا به دشمن خود یعنی آمریکا و اسرائیل ضربه های سنگین وارد سازد. و امروزه وضع انقلابی در خاور نزدیک بسیار مناسب است.

پارتیزانهای فلسطینی ارسال گذشته تاکنون تقریباً ۴۰۰ حمله علیه دشمن دست زدند و بیش از ۴۰۰ نفر را از افسران و سربازان ارتش تجاوزکار اسرائیل و دستیاران آن در آورده اند. هلی کوپتر و هواپیما را ساقط ساخته اند و ۲۴ تانک، هفت قطار را آتش زدند. ۱۵۰ میلیون زرهی و بیش از ۲۰۰ وسیله نقلیه نظامی را منهدم ساخته و نابود کرده اند.

مناطق پارتیزانی پیوسته وسعت میابند. پارتیزانها که از حمایت مردم نیز برخوردارند در سال گذشته فقط در مناطق اشغال نی اسرائیل در سواحل عربی رود اردن و در غزه عمل می کردند و بی در زانو به امسال حملات خود را به صحرای نجف که قبل از جنگ نیز تحت کنترل اسرائیل بود توسعه داده اند. در راه به صحرای سینا و سایر نواحی نیز دست یافته اند. هم اکنون نواحی حسی و سیمی از اسرائیل و حتی حومه تل آویو یعنی مرکز تسلط اسرائیل نیز مورد حمله آنهاست. دشمن وضع دفاعی بخود گرفته است و ناگزیر در وحشت بسر میبرد.

در این مبارزه صفوف پارتیزانها پیوسته گسترش میابد. بیشتر سازمانهای ملی، بسیاری از جوانان - مردان و زنان - به سلاح دست میبرند. جنبش آزاد بیخش فلسطین (الفتح) بلافاصله پس از جنگ ژوئن سال گذشته نیروهای پارتیزانی فلسطینی را توسعه داد. جنبه آزاد بیخش فلسطین در دسامبر گذشته سازمان آزادی فلسطین نیز در فوریه امسال به آنان پیوست. بسیاری از فلسطینی ها با شوق تمام به پارتیزانها پیوستند. یک مجله هفتگی لبنانی اطلاع داده است که پس از تجاوز اسرائیل در ۲۱ مارس امسال پانزده هزار جوان فلسطینی نواحی عضو در یک سازمان نظامی وابسته به "الفتح" را نمودند. ۵۰۰ کارکن و ده هکتار فلسطین در صفوف اول مبارزه مسلحانه قرار گرفتند و تقریباً ۶۵ درصد نیروهای پارتیزانی را تشکیل میدهند. پارتیزانها به پشتیبانی خودها توانسته اند پایگاههای خود در سرتا سر مناطق اشغالی و مناطق تحت نظارت اسرائیل به وجود آورند تا بتوانند برای جنگ طولانی آینده تکیه گاههای لازم را داشته باشند. مطابق اعلامیه "الفتح" پارتیزانها مناطق نفوذ خود را چنان وسعت دادند که اکنون در اکثر نقاط هیچ جایی وجود ندارد که "الفتح" نتواند بدان حمله کند. یک مجله هفتگی جمهوری صحرای غربی "رزالعیوسف" گزارش خصوصی دولت آمریکا مورخه شانزده آوریل را انتشار داد که بموجب آن "در مناطق اشغالی اسرائیل پنج پایگاه پارتیزانی وجود دارد در حالی که در خود اسرائیل بخصوص در صحرای نجف بیش از یک پایگاه پارتیزانی موجود است."

سازمانهای ملی وحدت خویش را با یکدیگر توسعه بخشیده و در ژانویه امسال "الفتح" جنبه آزاد بیخش ملی فلسطین، و شش سازمان دیگر با یکدیگر در قاهره ملاقات کردند. مسئله وحدت نظامی سازمانهای خود را مورد بررسی قرار دادند. مطابق اعلامیه نهائی آنان "مبارزه مسلحانه تنها راه نجات فلسطین است و به این منظور وحدت کلیه نیروها ضروری است. کلیه سازمانهای ملی، تمام سنگینهای فلسطینی و سازمانهای اصلاً با اتحاد برای پیروزی بر صهیونیستها دعوت گردیدند. در ۲۵ مه حمله مشترکی از جانب "الفتح" و سازمان آزادی فلسطین به اماکنهای قوای اسرائیلی صورت گرفت که در آن ۲۰ سرباز دشمن از پا درآمدند و بدین ترتیب بزرگترین ضربات بعد از جنگ سال گذشته بقوای صلح دشمن وارد گردید.

پارتیزانها در طول مبارزه نیروهای خود را آزموده و آبدیده ساخته اند. خبرگزاریهای عربی با دهشت فراوان گزارش میدهند که پارتیزانها "خوب مشکل هستند و حملات آنان بسیار نقشه های دقیق صورت میگیرد. مطابق اطلاع جرائد عربی، پارتیزانها در تاریکی شب بعمل دست میزنند، شجاعت و تحرک آنان قابل تقدیر است. قبل از حمله خود اغراف هدفهای نظامی شانرا مین گذاری میکنند. پس از حمله با سرعت به عقب نشینی دست میزنند. قسمتی از نیروهای پشت جبهه پس از حمله این اعمال مجدداً در میان راه دشمن مین گذاری میکنند و سپس با سلاحهای غنیمی به پایگاههای خود باز میگردند. نیروی روزافزون مبارزه جوشی پارتیزانها بقیه در صفحه ۳

در اندونزی

## ارتش انقلابی نیرو میگیرد

قدرت ارتش توده ای اندونزی تحت رهبری حزب کمونیست پیوسته در حال فزونی است. حملات و محاصرات ارتش ارتجاعی تاکنون بیلی پس از دیترو با شش مواجه گشته است. در نواحی وسیع و در تیره ها و جنگل ها مبارزه مسلحانه با قدرت زیاد در جریان است. ارتش توده ای در سه ماهه اول امسال در کلیاتان غربی در ده هاز و در دور دیافوای دولتی موفقیتهایی بدست آورد. رژیم فاشیستی بدین مشور قوای خود را از بسیاری نقاط کشور فراوانده و برای این کشتن آنها آماده ساخته بود تا با افراد بیشتر و وسایل مدرن تر ارتش توده ای را نابود سازد. ولی با آنها شکست بزرگ و حسارت های فراوانی وارد آمد. در اواخر مارس در یک نبرد سه روزه که در آن ۳۰۰ نفر از افراد ارتش توده ای شرکت داشتند ضربه سنگینی بقوای دشمن وارد گردید و تعداد زیادی از افراد دشمن از پا درآمدند.

در کلیاتان شرقی حملات ارتش توده ای ادامه یافت. در اواخر ژانویه با قوای دشمن جنگ سختی در لوت. فرمانده قوای نظامی ناحیه مذکور ناگزیر با اعتراض گردید که فعالیت ارتش توده ای در کلیاتان شرقی افزایش یافته است. مردم مشرق جاوه دارای سنن انقلابی فراوانی هستند. آنها اکنون ارتش خود را تکمیل میکنند و اعمال پارتیزانی کوناگون که منجر به نیستی حادثین محلی میگردند صادر میورزند. مطابق گزارش روزنامه مرتجع "کامی" بیش از ۶۰ نفر از حائنین که غالب آنها مالکین بزرگ، زور کویان محلی و خوانین مرتجع بودند توسط اینان اعدام شده اند. مطابق اعلامیه همین روزنامه قوای دولتی در روز ۲۸ آوریل تحت محاصره پارتیزانها قرار گرفتند و سه نفر از افسران و سربازان آنها از پا درآمدند. در ماه مه هنگامیکه گروهی از افسران از سورابایا به پلیتیار میرفتند با حمله پارتیزانها مواجه گردیدند و در نتیجه درون فلز آنها به لاکت رسیدند. مطابق اعلامیه آنها در راه به دره سوبراتو دوشن از فرماندهان سازمان دفاع غیر نظامی "دریک حمله پارتیزانها زخمی شده اند.

مطبوعات همچنین گزارش میدهند که در ماه مه افسران و سربازان میهن پرست ارتش ارتجاعی سلاح خود را به دست قوای سوهارتو و نازوسیون برگردانده و بدین ترتیب قیامهای جدید را علیه رژیم اینان ممکن ساختند. مطابق گزارش آسوشیته پرس تنها در ماه مه ۴۰۰ نفر از قوای دولتی، ارتش ارتجاعی را ترن کشته اند. در برخی شهرها جاوه مشرقی دسته های مخصوصی از ارتش توده ای بوجود آمده اند که بمطبات پارتیزانی دست زدند. مطابق اطلاع آنها در روز ۳۱ آوریل یک دسته محصور ۲۵ نفری بحمله عافلیکرانه ای با تانکهای نیروی هوائی دشمن زدند بدین ترتیب رژیم فاشیست را بوحشت حارق العادای انداخت.

جاوه غربی پایگاه اصلی حکومت فاشیستی سوهارتو - نازوسیون است. ولی در آنجا نیز مبارزات مسلحانه با شدت درگیر است. دهقانان تیلدوک و تیپودوک با آگاهی طبقاتی خود به زندگی فئودالهای خائن خاتمه دادند. در اواخر آوریل دهقانان

کمسیون سیاسی ارتش میهن پرستان کنگو در جبهه غرب خیانت رویزیونیستهای شوروی مردم کنگو را شدیداً محکوم کرد. ماست. در اعلامیه ای که کمسیون مذکور در تاریخ ۲۱ ژوئن بنسبست اعزام "سفیر" شوروی بر رژیم دست نشانده موسوسو انتشار داده خاطر نشان گشته است که رویزیونیستهای شوروی با اعزام "وزیر مختار" بر رژیم دست نشانده موسوتو - این قاتل پاتریس لومومبا و مردم کنگو - "مناسبات سیاسی" خود را با رژیم موسوتو مجدداً برقرار ساخته اند و این توهین فوق العاده بزرگی بحلق کنگو است. "موسوتو این عامل خونخوار که رویزیونیستهای شوروی با او مناسبات سیاسی برقرار کرده، مصمم به همکاری شقیاب با او، دست و پا او و برقراری روابط بازرگانی با او میباشند حائنی در جهاول و جاسوس سی. ای. ا. در افریقا است. امبرالیسم امریکائی توسط او بود کفوانست در ۱ سپتامبر ۱۹۶۰ قهرمان افریقای مبارزه لومومبا را بقتل رساند."

در این اعلامیه تاکید میشود که "حلق کنگو مرکز با امبرالیسم امریکائی در او در سته رویزیونیست شوروی سازنر نخواهد کرد. کنگو این جنبه گیری مرتجعانه رهبران شوروی را محکوم میکند. در اعلامیه یادآوری میشود که "موسوتو حصلت نوکر مآبانه خود را نسبت با امبرالیسم امریکائی مرکز از دست نداده است. تعبیر فقط در تبعیت رویزیونیستهای شوروی. حاصل شده که ارتز میکند که کویا موسوتو تعبیر یافته است."

در این اعلامیه از اعمال جنایتکارانه رژیم موسوتو که مشرقیان کنگورا بشدت تحت تعقیب و محاربات قرار میدهند پرده برداشته میشود. این اعلامیه هدف نهائی رویزیونیستهای شوروی را که بملک امبرالیسم امریکائی رژیم موسوتو میخواهند نیروهای انقلابی کنگورا سرکوب سازند، افشا مینماید. در این اعلامیه خاطر نشان میگردند که "رویزیونیستهای شوروی انترناسیونالیسم پرولتری و انقلاب جها را بد و رافشده و رژیم فاشیستی موسوتو کنگو میکنند تا حلق تسلیم نام پذیرش کور را سرکوب سازد و او را در برابر امبرالیسم امریکائی برانو در آورد."

در این اعلامیه تاکید میگردند که حلق کنگو که از تبار مبارزات حوشن و از خیانت رویزیونیستها در عرصه جهان آموزش گرفته است مرکز اجازه نخواهد داد که او را فریب دهند. اعلامیه در پایان خاطر نشان میسازد: "سرانجام انقلاب کنگو پیروز خواهد گردید. مردم شوروی نیز که توسط لنین و استالین لین پرورش یافته اند علیه رویزیونیست ها خروش جفی بقیام دست خواهند زد."

این درامایو مشکل گردیدند تا خود به تقسیم اراضی دست زنند. در ساوه مرکزی نیز که تحت کنترل حکومت فاشیستی است حزب کمونیست و انقلابیون نیروهای خود را جمع آورد میکنند. یک روزنامه ارتجاعی گزارش داد که در "پیورودی" تحت رهبری حزب کمونیست یک ارتش توده ای مشغول فعالیت است مطابق اطلاع خبرگزاریهای عربی در روز ۲۹ مه کمونیستها و سایر انقلابیون زندانی در بازداشتگاه شهر سولو بقیام در زندان دست زدند. چند نفر از افسران و سربازان ارتش ارتجاعی نیز بملک آنها شناختند. قیام کنندگان پس از آنکه سلاحهای دشمن را بغنیمت بردند بسوی جنگلها فرار کردند. ارتش توده ای جنوب سوواترا نیز باتوان زیادی به فعالیت پارتیزا دست زد ماست. از گزارش یک روزنامه ارتجاعی دیگر استنباط می شود که ارتش توده ای در اواخر مارس در جنوب لامونک بیک ده حمله کرده و اربابان و خائنین محلی را مجازات کرده اند.

رژیم فاشیستی و نظامی اندونزی از توسعه و افزایش ارتش توده ای نگران است. این رژیم در کمال برهشانی ارتش خود را بسرتاسر کشور اعزام میدارند در همه جا ارتش توده ای سرکوب کرد. ولی ارتش توده ای در همه جا دشواریها را پشت سر میگذارد. ارتش سرانجام بر سر نوشت مبارزه مسلط و بنابراین پیروز خواهد شد.

مبارزه مسلحانه - بقیه از صفحه ۲ - آنها امکان میدهد که در طرفی یک روز به حملات مختلفی در نواحی مختلفی دست زنند. مثلا پارتیزانها در روز دوم به هشت حمله در هفتم ماه به ده حمله دست بردند. به دشمن چنان ضرباتی وارد آمد که نمیتوانست در مقابل پارتیزانها مقاومت کند.

پارتیزانها در نواحی اشغالی دشمن از پشتیبانی نیرومند مردم برخوردارند و از آنها کمک غذایی میگیرند. مجروحینشان را توسط آنان و در نزد آنان پرستاری میکنند. اطلاعات لازمه را جنی بر حرکت دشمن و تصمیمات او توسط آنها بدست میآورند. یکی از رهبران پارتیزانها بحق چنین ادعا کرد: "اگر ما در اینجا جنگ نداریم، توده های مردم برای ما جنگ میسازند". سایرملل عربی نیز به پارتیزانهای فلسطینی کمکهای باارزشی رساندند. بسیاری از جوانان این کشورها به نیروهای پارتیزانی فلسطین پیوستند. تعداد زیادی از جوانان سوریه، عراق، جمهوری متحده عربی ولبنان تقاضای پذیرش به نیروهای پارتیزانی داده اند. گفته میشود که ده درصد پارتیزانها را اطلبانی هستند که از سایر کشورهای عربی آمده اند. کمک مالی نیز از جانب بسیاری از مردم ارائه داده میشود.

مبارزه مسلحانه خلق فلسطین جزئی از نبرد حلقهای جهان با امپریالیسم آمریکا است. هر پیروزی که نماید خلق فلسطین کردار ضربه ایست بر یکراستراتژی جهانی ضد انقلابی امپریالیسم آمریکا. جانسون در سال گذشته مکررا نگرانی خود را از اوضاع خاور نزدیک ابراز کرد. سفیر آمریکا در سازمان ملل، گد برونیکو اعلام کرد که خاور نزدیک در زمین منطقه بحرانی پس از ویتنام، توسعه مبارزات مبارزات پارتیزانی اکنون نگرانی آمریکا را افزایش داده است. مطابق گزارش یک مجله خبری مصری، آمریکا در مورد اینکه اسرائیل هر روز مورد حمله پارتیزانها قرار میگیرد و سه سیاهپان اسرائیلی چنین ضربه هایی وارد میشود واقعا نگران است. این گزارش بگفته های مقامات رسمی آمریکا جنی بر اینکه کوچک گرفتن اهمیت جنبش مقاومت

فلسطین اشتباه بزرگی است. تنگی است. خبرگزاری یوتا پد پسر او پتر نشنال نیز هشدار داد که "فرماندهی عربی پمنوان قدرت بزرگ در خاور نزدیک نمودار میگرد".

کابینه رژیم ارتجاعی اسرائیل بارها بدین خاطر تشکیل جلسه داده است تا بتواند برای این مشکل راهی بیابد. این جلسه تصمیم گرفتند که به پایگاههای پارتیزانی حمله کنند. صارتیزانها را نابود سازند ولی نیروهای تعرضی اسرائیل نه تنها به نتیجه ای نرسیدند بلکه خود ناگزیر ضرات شدیدی را تحمیل کردند. یک روزنامه اسرائیلی ناگزیر به اقرار شد که "بهائی کسا میرو از هم بسیار گران است". اشکول نخست وزیر اسرائیل در کمال ناامنی اعتراض کرد که این مقاومت در مقابل پارتیزانها از جنگ سال گذشته نیز "مشکلاتر" است و "۳۰۰۰ جنگ" مدت با طول خواهد انجامید".

رفیق مائوتسه درون خاطر نشان ساخته است که ۳۰۰۰ کشور بود. راه ملامت بسج کند آنها انکا نماید و جنگ توده های دست برد خواه این کشور کوچک باشد خواهر بزرگ، میتواند بر هر دشمن نیرو مند پیروز گردد. آموزش مائوتسه درون بخلقهای عربی جرات و امکان دارد که قدرت بظا هر عظیم امپریالیسم آمریکا و ولت دست نشانده اسرائیل را کوچک بکنند. یکی از رهبران "الفتح" اظهار داشت: "همانطور که مائوتسه درون گفته است، امپریالیسم و کپی مرتجعین بپرگفتنی هستند. تجاوز و در اسرائیل نشاندهنده نیست که امپریالیسم آمریکا و دست نشانده کاشن نیرو مندند. بلکه ضعف آنان را آشکار میسازد".

مبارزه مسلحانه خلق فلسطین ادامه میگیرد. در راه پیشرفت البته دشواریها و مشکلاتی وجود خواهد داشت. ولی همانطور که یکی از رهبران "الفتح" میگوید: "ما مصمم هستیم که مبارزه را ادامه دهیم و لو اینکه مشکلاتی که بر سر راه ما قرار دارد بزرگ باشند". مبارزه مردم فلسطین مبارزه عادلانه ایست. مطمئنا پیروزی با مردم فلسطین است. در ادامه مبارزه مسلحانه غولانی مصممند.

بقیه از صفحه ۱

ضد شوروی کیست

بگوید و کند یا کسی است که با کفار و کردار خود کشور اتحاد شوروی را در نظر جهانمان خوار و میقدار سازد یا کسی است که با رفته و کفار خود سوسیالیسم را از اعتبار بیاورد یا کسی است که با دشمنان خلق شوروی و خلقهای جهان روش سازش و همکاری "در پیش گیرد یا کسی است که علیه مارکسیسم - لنینیسم برخیزد". چنین کسی ضد شوروی است اگرچه از کشور اتحاد شوروی باشد. نویسندگان روزنامه مردم و مجله دنیا پیوسته در خارج از اتحاد شوروی در جستجوی افراد و عناصر ضد شوروی میباشند؛ در حالی که افراد ضد شوروی سرشناس در خود کشور شوراها جای دارند. امپریالیسم آمریکا اگر بجای سالی یکصد میلیون دلار فی المثل سالی یک میلیارد برای مبارزه با سوسیالیسم مصرف میکرد به یقین پانزده خروشچف و جانیشانش نمیتوانست به اتحاد شوروی، به سوسیالیسم و جنبش کمونیستی زبان برساند. آقا یان اتهام ضد شوروی بمانو جسد. این خصلت برانزده خود شما است که با عناصر ضد شوروی سرشناس همکاری کرده و از آنها فرمان میبرید.

مارکسیست - لنینیست ها هیچگاه گروهی اپورتونیست و تسلیم طلب را که پس از مرگ استالین مقامات حساس حزبی و دولتی را در اتحاد شوروی در اختیار گرفته است با خلق قهرمان شوروی اشتباه نمیکنند. مخلق شوروی که با انجام انقلاب اکبر صفحه نویی در تاریخ بشریت کشود، با ساختمان سوسیالیسم راه رهائی طبقه کارگر و توده های زحمتکش را از قید استثمار به تمام خلقهای جهان نشان داد؛ با پیروزی در جنگ دوم جهانی بشریت را از جنگال فاشیسم خونخوار نجات بخشید بحق مورد ستایش و احترام نه تنها مارکسیست - لنینیست ها بلکه تمام نیروهای دموکراتیک و تمام خلقهای جهان است و نمیتواند نباشد. مارکسیست - لنینیست ها همچنین میان حزب بزرگ لنین که با گذشتن از فراوانی مشیبت های بسیار طبقه پرشکلات فراوان سرانجام طبقه کارگر شوروی را به پیروزی بر طبقه استثمارگر و سر قرار دیکتاتوری پرولتاریا رهنمون کرد بد و در مبارزه پرافتخار خود لنینیسم را بد آورد هر کجینته مارکسیسم - لنینیسم افزود

گروهی از "رهبران" که به بهانه تغییر اوضاع و احوال جهان از مارکسیسم - لنینیسم بریده و به رویزیونیسم و اپورتونیسم گرا شده است؛ گروهی که دوست را برای دشمن گرفته و دشمن از بر دوستی در آید؛ گروهی که با گروهی که با سوسیالیسم شورویینیم ملت بزرگ و حزب بزرگ را بجای انترناسیونالیسم پرولتاریو نشانیده است فرق میکند.

این گروه که به عبت میکوشد خود را نماینده خلق شوروی و حزب بزرگ لنین وانمود سازد در واقع رابطه کارگر شوروی را رها کرده و در تضاد با طبقه کارگر شوروی و خلق شوروی قرار گرفته است. اعمال و اقوال افراد آن هیچ وجه مشترکی با آرمانهای انقلابی خلق شوروی و سیاست های انقلابی حزب بلشویک ندارد. هر کس که در کنار خلق شوروی قرار گیرد ناگزیر با این گروه در مبارزه میآید. اگر انترناسیونالیسم پرولتاری هبستیکی با خلق شوروی طبقه کارگر شوروی است مبارزه با این گروه که انترناسیونالیسم پرولتاری را زیر پا گذاشته عین انترناسیونالیسم پرولتاری است. ملان دوستی با اتحاد شوروی و دفاع از آن جمعیت بیچون و چرا از این گروه نیست بلکه وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و وفاداری به منافع و مصالح طبقه کارگر شوروی و خلق شوروی است.

در سندی برنامه ای کمونیست های بلشویک اتحاد شوروی به این جملات پر سخوریم که در واقع از زبان همه کمونیستهای جهان است:

"زند مبارک پرچم سرخ مقدس پرچم انقلاب سوسیالیستی؛ پرچم مارکس انگلس لنین؛ استالین! اپورتونیستها بسیار کوشیدند این پرچم را به پلید بیاورند ولی هیچ لکای بر آن نشست؛ آنها کوشیدند این پرچم را تافق خویش بیاورند. اما در جهان نیرو هائی است که آنرا برافراشته نگاه میدارد... آنزمان دور نیست که این پرچم از نو بر فراز میهن سوسیالیسم بماند و زاز بر آید".

ارتش ایران و... بقیه از ص ۱۰ تناسب قره تغمی سف ارتش محمد رضا شاه و دستیارانش تقویت ارتش خلق خواهد شد و آنگاه از روستا بمحاصره و تسخیر شهرها و اما قطعاً دشمن روی خواهد آورد.

بدی بیی است که در شرایط کنونی ایران - چیرگی ارتجاع و امیر - یالیسم خیانت رویزیونیست ها و فقدان حزب طبقه کارگر - اقدامه جنگ تودمای محتاج بهتدارک نسبتا طولانی و مسلما بسیار دشوار خواهد بود و در اینجا هرگز نباید سخن رفیق مائوتسه درون را از یاد برد که گفته است: "بدون آمادگی قبلی بدون اطمینان به پیروزی نه - باید به هیچ نبردی دست زد. قبل از هر نبرد باید تمام حسابی را برای تهیه تدارکات لازم و تضمین پیروزی در هر حالت موجود بین خود و دشمن بگاریست".

ولی تردیدی نیست که میگانها منجات خلق ایران در توسل به جنگ تودمای طولانی است. معده فکر و ابتکار انقلابین ایران باید ضوجه عملی ساختن این راه باشد. متجارب تاریخی نشان میدهد که جنگ توده ای علیرغم دشواریهایش و علیرغم اشتباهات کم و بیشی که پیش میاید جنگی پیروزگراست.

ترازنامه فعالیت یکساله بقیماز ص ۱

انبوهی از دشمنان خلق از سازمان امنیت و حامیان امپریالیست رژیم شاه گرفته تا دستگاه خرابکاری و خیرگیری رویزیونیست های خودی و بیگانه احاطه شد ما بم تنها از راه در آمیختن بانوده ها، هوشیاری و مراعات اکید پنهانکاری است که سازمان میتواند خود را از دستبر این دشمنان صون و در امان نگاهدارد.

رفع نقائص و معایب سازمان از طریق اصل سازمانی انتقاد و انتقاد از خود امکان پذیر است. سازمان ما در تمام مدارج سازما خود موظف است به یافتن نقائص و عیوب که به پیشرفت کار و فعالیت سازمان زیان میبرسانند و از ترمیمی آن میکاهد همت کمارد، با شیوه های سازمانی در بر طرفی ساختن آنها کوشد. نظارت بر کار و فعالیت سازمان واجب عینی است. هر یک از اعضای سازمان، هر یک از ارکانهای آن در هر مقامی که باشد وظیفه دارد در این نظارت شرکت جوید؛ اشتباهات و نقائص را بیاید و موقع در رفع آنها اقدام کند. تنها با اتخاذ این شیوه میتوان بموقع اشتباه و خطا را جبران کرد؛ تنها با اتخاذ این شیوه میتوان سازمان را از هرگونه انحراف بر حذر داشت.

اکنون دومین سال حیات سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان آغاز میگردد. بالا آمدن سطح آگاهی تئوریک و سیاسی ما و تجربیاتیک طی سال گذشته اندوخته امید وون شک در کار آینده مانقشش مثبتی بازی خواهد کرد و پیشرفت ما را در راه نیل به نخستین هدف احیای حزب طبقه کارگر در عرصه ایران تسهیل و تسریع خواهد نمود.

احیای حزب طبقه کارگر که این عامل اساسی انقلاب ایران، مارکسیست - لنینیست های ما است، بیکوشیم تا افتخار انجام این وظیفه در تاریخ جنبش کارگری ایران بنا سازمان مثبت گردد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان  
مرداد ۱۳۴۷ - زمستان ۱۳۴۸

X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

نقاد و دوستان

روزنامه توفان با تکیه بر نیروی خود به ریاست انتشار هر شماره را بدروز - نامه ها و شواریه های فراوان در صورت، هر کلماتی در شفا قدمی در راه تقویت و پیشرفت آن است. از هر کجی هر چه قدر کوچک باشد خود داری نورزید. تا سفاصلت وضع خاص توفان اخذ آید و ما همانا از طریق مادی میسر نیست. مبلغ بزمان و اعانه خود و سایر رفقا و دوستان را مستقیما بکسای بانکی توفان بریزید و با از طریق دیگر ما برسانید. بهای تک شماره توفان در ایران در ریال در ترکیه معادل دو ریال و در سایر کشورهای معادل در ریال است. بهای اشتراک سالانه توفان معادل در ریال است.

پیروزی مبارزه قهرآمیز خلق دلاور فلسطین

## قرار سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

### درباره مسأله ملی

۱ - همین مایه‌ها در کشور است چند ملت بی‌معنی که همسر دشمن ما از ملت واحد - بمعنای مارکسیستی گفته - نیستند بلکه ملت‌های مختلفی را تشکیل می‌دهند. تعیین چگونگی مناسبات میان این ملت‌ها مضمون مسئله ملی در کشور ما است. (نباید غنای "ملی" را در این مورد با معنای "ملی" در موارد دیگر که در برابر امپریالیست‌های خارجی بکار برده می‌شود از قیل جبهه واحد ملی، حکومت ملی، انقلاب ملی و غیره اغتشاه کرد).

۲ - ستم ملی که در کشور ما نسبت به ملت‌های اقلیت اعمال می‌شود و تظاهر عمده آن در اعمال فشار بر زبان ملی است زائیده حکومت ارتجاعی و دست نشانده امپریالیسم است. یگانه راه برانداختن ستم ملی، وحدت کلیه طبقات و قشرهای شرقی همه این ملت‌ها، مبارزه متشکل و متحد همه آنها برای سرنگون ساختن حکومت حاضر و استقرار حکومت ملی و دموکراتیک است.

۳ - ما مسئله ملی را در زمینه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران مطرح می‌سازیم با این معنی که حل مسئله ملی را از آنجهت و این طریق مطرح می‌سازیم که نیروی برای پیشرفت انقلاب ملی و دموکراتیک تک باشد. به عبارت دیگر در نظر ما مطالبات ملی پیوسته‌ایه تابعی از مبارزه خلق ایران در راه انقلاب ملی و دموکراتیک باشد.

۴ - ملت‌های کشور ایران قرن‌هاست که در کنار هم‌پوشیده با دشمن خارجی در شارب هم جنکیده، در راه حفظ میهن در کنار هم خون ریخته اند. همه ملت‌های ایران بطور عمده تاریخ دربرنده سیر حوادث مشترکی دارند. ریشه‌های بسیار نیرومندی آنها را بهم پیوند داده است و می‌دهد. هم اکنون همه آنها از دشمنان واحدی رنج می‌برند و در جبهه واحدی در مبارزه اند. حفظ و تحکیم ملت‌های ایران با تشکیل جبهه واحد ملی و دموکراتیک، با مبارزه متحد و با پیروزی مشترک بر امپریالیسم و ارتجاع ملازمه دارد.

۵ - ما طرفدار وحدت و تساوی ملت‌های ایران، طرفدار وحدت دموکراتیک هستیم. ما با هر گونه تحمل بر هر یک از ملت‌های ایران در هر زمینه که باشد مبارزه می‌کنیم. به عقیده ما فقط تساوی کامل است که می‌تواند ملت‌های ایران را در مبارزه با امپریالیسم و حکومت دست نشانده آن، در استقرار حکومت ملی و دموکراتیک و سپس در داخل آن حکومت بر اساس اصل دوطبقی متحد سازد.

۶ - تضعیف اتحاد مبارزه جویانه کلیه زحمتکشان ایران (اتحاد برضد امپریالیسم و حکومت دست نشانده آن) به هر عنوان که باشد حیانت به منافع انقلاب ایران است.

۷ - به عقیده ما:

همه کارگران پیش‌آهنگ و همه مارکسیست - لنینیست‌ها از هر ملتی که باشند، باید در سازمان واحد سیاسی طبقه کارگر ایران، در حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی ایران شرکت کنند. همه کارگران از هر ملتی که باشند باید در سازمان صنفی واحدی با رهبری سازمان واحد سیاسی طبقه کارگر ایران، حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی ایران در سراسر کشور متشکل گردند. همه دهقانان ایران، از هر ملتی که باشند، باید در سازمان‌های دهقانی و با رهبری واحد سازمان واحد سیاسی طبقه کارگر ایران، حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی ایران متشکل گردند. همه طبقات و قشرهای دموکراتیک ایران: خرده بورژوازی شهری، روشنفکران، دانشجویان، کارمندان دولت و بورژوازی ملی، از هر ملتی که باشند، باید در جبهه واحد دموکراتیک ملی، که استخوان بندی آنرا کارگران و دهقانان صرفنظر از تعلق ملی خود تشکیل می‌دهند، زیر رهبری سازمان واحد سیاسی طبقه کارگر ایران، حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی ایران متشکل گردند.

۸ - ستم ملی که زائیده حکومت ارتجاعی و دست نشانده امپریالیسم است با بر افتادن این حکومت از میان می‌رود. پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک به رهبری طبقه کارگر مسئله ملی را در کشور ما بر اساس وحدت و تساوی کلیه آنها حل خواهد کرد.

## درباره انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی

دو سال پیش (دراوت ۱۹۶۶) کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تحت رهبری رفیق مائوتسه دون فراری تاریخی در ۱۶ ماهه در باره انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی چین صادر کرد. ماسفانه صفحات توفان اجازه در متن کامل این سند مهم ایدئولوژیک و سیاسی را نمیدهد. مافظ بعنوان یادآوری بنقل چند قسمت از آن اکفاه می‌شیم:

"انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی کنونی، انقلاب کبیری است که با ژرفترین نهاد انسان سروکار دارد و در رشد انقلاب سوسیالیستی کشور ما مرحله نوینی را آغاز می‌کند که عمیق تر و پهناتر از مرحله پیشین است."

"رفیق مائوتسه دون در همین پلنوم کمیته مرکزی منتخب لشکر هشتم حزب گفت: "برای واکوون کردن یک قدرت سیاسی باید همیشه قبل از همه افکار عمومی را آماده کرد، در عرصه ایدئولوژی فعالیت نمود. این هم در مورد طبقه انقلابی صادق است و هم در مورد طبقه ضد انقلابی."

"نیروی عمده این انقلاب کبیر فرهنگی را توده‌های کارگران، دهقانان، سربازان، روشنفکران و کارهای انقلابی تشکیل می‌دهند. امروز بسیاری از جوانان انقلابی کفام برای کشاوران جسو و پرچمرات مبدل گشته اند. آنان در عمل از خود حرارت و انرژی نشان می‌دهند و سرشار از هوش و ذکاوت اند. آنان بوسیله روزنامه‌های درشت خط دیواری و بحث‌های جامع درباره امور مختلف

بمحاحته میگردانند، نمایندگان علنی و پنهانی بورژوازی را کاملاً افشا کرده و بانتقاد میگیرند و با قطعیت تمام بآنها حمله میکنند. برای آنها مشکل است که در یک چنین جنبش انقلابی بزرگ مرتکب این یا آن اشتباه نشوند. ولی آنچه مسلم است ستم کبیری کلی انقلابی آنها از همان ابتدا صحیح بوده است."

"در انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی این فقط توده‌ها هستند که میتوانند خود را از آزاد سازند، صحیح وجه جایز نیست که کس دیگری جای توده‌ها عمل کند. بتوده‌ها اعتماد ورزید، بآنها اتکا کنید، و با فکارشان احترام بگذارید. خود را از ترس آزاد کنید. از بی نظمی وحشت نداشته باشید."

"اماج عمده حمله در جنبش کنونی آن کسانی هستند که در درون حزب در مواضع قدرت نشسته و در راه سرمایه داری کام نهاد آید. در بین توده‌ها "شیوه ایکه باید در مباحثات بکار رود عبارت است از ذکر واقعیات، ارائه دلیل و قانع کردن از طریق استدلال نسبت باقلیتی که دارای نظریات مختلف است نباید شیوه‌ایه وی را بتسلیم مجبور کرد و بکاربرد. باید از اقلیت حمایت شود زیرا راه اتفاق میافتد که حق با اقلیت است. اقلیت اگر هم در اشتباه باشد باید با اجازه داده شود مطالب خود را به بحث و مذاکره بگذارد و نظر خود را محفوظ نگاه دارد. وقتی بحث در جریان آید باید استدلال صورت گیرد نه اعمال جبر و زور."

بمناسبت آغاز دومین سال تاسیس این سازمان

## تاریخچه کمیته‌های توفان سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

پس از آنکه رهبری حزب توده ایران بدنیال حزب کمونیست شوروی مارکسیسم - لنینیسم را ترک گفت و سوسیالیسم کژنید، اعضا و طرفداران آن در اروپا و امریکا بمقاومت برخاستند و پس از آنکه مبارزه درون حزبی آنها بتجبه نرسید ناگزیر از حزب توده ایران بریدند و گروه گروه بایکدیگر ارتباط برقرار ساختند. بزرگترین این گروه‌ها از کسانی تشکیل میشد که بدرها سازمان جداگانه‌ای به وجود آوردند که در کفران ماه نوامبر ۱۹۶۵ نام "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور" بخود گرفت.

در درون سازمان مذکور در اثر مشخص نبودن مواضع ایدئولوژیک، وجود نظرات سیاسی نادرست، کارهای تشکیلاتی غلط و شیوه‌های غیرپرولتاری، اختلافاتی بوجود آمد که در سپتامبر ۱۹۶۴ موجب جدانشدن سه تن از رفقا از آن سازمان گردید. در دسامبر همان سال چهار تن دیگر از رفقا بآنها پیوستند. این عده گروه سازمانی جدیدی را هسته گذاری کرده بمنظور جلب کلیه نیروهای انقلابی از ۲۱ ژانویه ۱۹۶۵ (بهمن ۱۳۴۴) به انتشار روزنامه ای بنام "توفان" دست زد.

روزنامه "توفان" بزودی در میان توده دانشجویان شناخته شد. با اینکه هنوز رسماً سازمانی تشکیل نشده بود عده‌ای از دانشجویان در اروپا، امریکا و در ترکیه با آن همکاری برداشتند. به پخش توفان همت گماشتند، کمک مالی کردند. برخی نیز تقاضای تماس سازمانی دادند. ماسفانه روزنامه "توفان" نتوانست شی روشن و بی تزلزلی تعقیب کند، دچار نوسان شدیدی بود و در عوض اینکه با دادن شعارها و ارائه خط مشی مارکسیستی - لنینیستی در صد جلب مارکسیست‌ها - لنینیست‌ها و سایر انقلابیون ایران باشد با اعلام شعارهای عام دموکراتیک اکفاه میکرد. از اوت ۱۹۶۵ که هیات تحریریه با عضویت رفیق جدیدی تکمیل گردید وضع روزنامه اندکی بهتر شد. اما با وجود مبارزات درونی نسبتاً شدید، هنوز فاقد صحنای ایدئولوژیک و سیاسی مارکسیستی - لنینیستی بود و چهار بتضاد‌های بسیاری دچار می‌آمد.

در این جریان، مبارزه چند تن دیگر از رفقا که از سوسیالیست‌های حزب توده ایران بریده بودند و مارکسیست - لنینیست‌ها را به احیا حزب طبقه کارگر دعوت میکردند بر روی گروه توفان تاثیر گذاشت.

در این جریان، در داخل سازمان مبارزاتی که علیه راست‌روی آغاز شده بود شدت گرفت. تضاد برای انتخاب درواهی کتایا

توفان بشیوه تزلزل گذشته خویش ادامه دهد و یا صریحاً خط مشی مارکسیستی - لنینیستی انتخاب کند و بخود جرات دهد که در این راه مبارزه و بسوی توده‌ها ببردازد، شدت بی‌سابقه یافت. نوساناتی که از شماره ۱۸ تا ۲۲ دوره دوم توفان در مطالب آن پیدا شد حاکی از این بود که گاهی یک طرف‌نژاد و گاهی طرف دیگر تعیین کننده راه میکردید. بحران این تضاد در بحث‌های مربوط بانشمار مقاله "شکره پیشروی بسوی کوم - نیسم؟" که در آن مواضع سوسیالیست‌ها پیدا می‌گردد قرار گرفته بود ظهور کرد.

شماره ۲۲ دوره دوم توفان در واقع نقطه عطفی بود که نسبتاً به روش تزلزل آمیز و راست‌گرایانه توفان خاتمه داد. اگر چه تقابیم بطور کلی بر طرف خنده بود ولی بنظر همه کس یک واقعت می‌رسید و آن این بود که توفان بیک بحران خاتمه داده و اکنون در حال بسیرت بسوی مواضع انقلابی است.

از پانز ۱۹۶۶ ارتباط مستقیم میان گروه توفان و مارکسیست لنینیست‌های دیگری که از سوسیالیست‌های حزب توده ایران بریده بودند برقرار گردید و طی جلساتی در اطراف طرح برنامه واحد جهت ایجاد سازمان واقعاً مارکسیستی - لنینیستی بمنظور احیا حزب طبقه کارگر ایران مذاکرات صورت گرفت.

مذاکرات مذکور موجب پیدا شدن تضادها و برخوردهای بسیار شدیدی در داخل گروه توفان گردید. عناصری که از موضع کبیریهای انقلابی گروه توفان خرسند نبودند، کوشش میکردند گروه توفان را از داخل پراکنده سازند. تعطیل توفان و نفاق افکنی در داخل گروه نتایج بود که از این فعالیت‌های اخلال‌گرانه بدست آمد.

گروه توفان با اتکا به مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون موفق شد که برای مشکلات فائق آید. و بتصفیه خود دست زند. در روز ۱۹۶۷ (تیر ۱۳۴۶) سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم و آموزش مائوتسه دون تاسیس گردید. باناسیس این سازمان دوره سوم "توفان" نیز با اقتدار از نوسانات و معایب دوره گذشته و با اعلام وفاداری کامل به مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون آغاز گردید و از آن پس بعنوان تنها زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران بطور منظم انتشار یافت.

طرح موقت خط مشی سازمان تحت عنوان "وظائف مردم و فوری مارکسیست‌ها - لنینیست‌های ایران" در نوامبر ۱۹۶۷ (آبان ماه ۱۳۴۶) بتصویب رسید و در دسامبر ۱۹۶۷ همراه باشماره چهارم از دوره سوم توفان در دسترس علاقمندان قرار گرفت. اینک سازمان توفان در راهی که باجمال در طرح "وظائف مردم و فوری مارکسیست‌ها - لنینیست‌های ایران" ترسیم شده است پیش می‌رود.